

## روایتی جالب از یک دادگاه و چک گوگوش

۸ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۳:۵۷

از باورهای اشتباه میان عوام و حتی برخی نخبگان، استقلال و سلامت سیستم قضایی در دوره پهلوی دوم است، حال آنکه قطعاً چنین نبوده و فسادهایی علنی که در این سیستم در دوران محمدرضا پهلوی رقم خورد، قابل چشم پوشی نیست. یکی از همین روایت‌ها که نشانه خوبی برای وضعیت جالب و تهوع آور سیستم قضایی در آن دوران است را یکی از قضات کشور که در آن دوران جامعه وکالت بر تن داشته، عیان کرده است.

یکی از دروغ‌های بزرگی که در دهه‌های اخیر تکرار شده و متأسفانه بخشی از طبقه تحصیل کرده ایرانی نیز بدون تکیه بر مستندات مشخص به تکرارش پرداخته و می‌پردازند، سیستم قضایی مستقل رژیم پهلوی است و حتی تاکید بر سلامت این سیستم قضایی است؛ ادعایی که به سادگی قابل نقض است. کافی است به دادگاه مصدق و دکتر فاطمی توجه کرد و مستنداتی که نشان می‌دهد محمدرضا پهلوی نتیجه دادگاه این دو چهره تاریخی را پیش از برگزاری هر دادگاهی اعلام کرده بود.

مطابق با کتاب «ضد کودتا»ی کریمیت روزولت، روزولت دراول شهریور پس از کودتا به ایران می‌رود و سرنوشت مصدق و دیگر رهبران جبهه ی ملی را جويا شده و از محمد رضا شاه می‌پرسد: «میل دارم بدانم در مورد مصدق، ریاحی و دیگران، که علیه شما توطئه کرده‌اند، چه فکری کرده‌اید؟» شاه می‌گوید: «در این مورد زیاد فکر کرده‌ام. مصدق محاکمه می‌شود. (در این موقع لب‌های شاه می‌لرزید) و به سه سال محکوم خواهد گشت ... ریاحی نیز مجازات مشابهی دارد. ولی یک استثنا وجود دارد و آن، حسین فاطمی است. او هنوز دستگیر نشده ولی به زودی او را پیدا می‌کنند. فاطمی، بیش از همه ناسزاگویی کرد. هم او بود که توده‌ای‌ها را واداشت مجسمه‌های من و پدرم را سرنگون و خرد کنند. او، پس از دستگیری، اعدام خواهد شد.» (صفحات ۲۰۰ و ۲۰۱)

طبیعتاً بر هیچ کس پوشیده نیست که سرنوشت مصدق و فاطمی چه شد و این دو چهره آزادی خواه و پرچم داران استقلال صنعت نفت، چه بر سرشان آمد. با این حال روایت‌های دیگری نیز درباره سستی، عدم استقلال و فساد عیان سیستم قضایی در دوران پهلوی وجود دارد که نشان می‌دهد هرگونه تعبیر به استقلال یا سلامت مجموعه قضایی پهلوی دوم، حکم یک افسانه را داشته که با تاریخ سر ناسازگاری دارد.

جهانگیر مستوفی رئیس شعبه چهارم وکلای دادگستری که از قضا در آن دوران وکیل بوده، روایت جالبی را در خصوص فائقه آتشین ملقب به گوگوش یکی از بازیگران و خوانندگان صاحب نفوذ در آن دوران مطرح کرده که این عدم استقلال را به خوبی

به تصویر می کشد و نشان می دهد که تا چه میزان عمل به مر قانون در آن دوران بازیچه و جزو آرمان های دست نیافتنی بوده است!

مستوفی در این باره در نسیم بیداری نوشته است: «سال های تحصیل من در دانشگاه تهران مصادف بود با کودتای ۲۸ مرداد که در دانشگاه، خفقان شدید حکم فرما بود و معمولاً کلاس درس، سربازی با تفنگ می ایستاد و از تجمع بیش از دو نفر در محوطه دانشگاه و دورن کلاس ها جلوگیری می کرد. آن روزها دلم می خواست زودتر وکیل شوم و باری از این مشکلات و بی عدالتی ها بردارم؛ خامی و آزاداندیشی دوران جوانی بود. وقتی وکیل شدم، دیدم تفاوت میان چیزی که من می خواستم با آنچه عملاً انجام می شود، از زمین تا آسمان است.

خاطره جالبی که دارم از سال های اول وکالتم بود. آن سال ها افراد زیادی برای وکالت داوطلب نمی شدند و بنابر این پرونده های خاص ممکن بود سهم هر فردی شود. تابستان سال ۵۲ بود. از آن تابستان های گرم که فعالیت جریان های مختلف سیاسی هم بر گرمای آن می افزود تا جایی که زندگی را سخت می کرد! بازار موسیقی هم داغ بود و هر خواننده ای برای خود هوادارانی داشت. اگر کسی از این جماعت می توانست با دربار هم ارتباط پیدا کند، برای خودش قدرتی دست و پا می کرد و به قول معروف «نانش در روغن» بود.

تیرماه بود که یکی از دوستان دوران دانشگاه با من تماس گرفت و پیگیری پرونده ای را به من سپرد. آن روز درباره مشکل توضیحی نداد و فقط گفت مشکل دعوای مالی است. برای روز پنجشنبه وقت دادم و روز موعود مردی میانه سال به سراغم آمد که فرد موجهی به نظر می رسید. او از کیفش یک فقره چک درآورد و از من پرسید که می توانم آن را برایش نقد کنم یا نه؟

معلوم بود که این چک برگشتی، متعلق به فرد مهمی است که برای نقد کردن آن نیازمند وکیل شده است. رقم چک بسیار بالا بود؛ یک میلیون تومان که برای سال ۵۲ ثروت کلانی به حساب می آمد. پای چک را هم فردی امضاء کرده بود که در آن زمان همه او را می شناختند و خواننده معروفی بود. چک متعلق به گوگوش بود.

طی کردن مراحل قانونی برای دادگاهی شدن صاحب چک بی محل، خیلی طول نکشید. خوب می دانستم رای دادگاه دو حالت بیشتر ندارد؛ یا صاحب چک باید پول را می داد یا راهی زندان می شد. روز دادگاه فرارسید. من و موکلم در کمال خوش باوری در دادگاه حاضر شدیم. گوگوش هم آمد. کسی هم همراهش نبود. فکر می کردم برای خودش وکیل بیاورد تا در صورت ناتوانی مالی، راهی زندان نشود اما او فقط وارد دادگاه شد، به قاضی اعلام کرد مبلغ چک را ندارد که پردازد و از در دیگر خارج شد، بدون اینکه مشکلی برایش ایجاد شود.

قاضی حتی از او یک تعهد ساده هم نگرفت تا دل ما خنک شود. این موضوع تا مدت ها نقل رسانه ها و محافل حقوقی آن زمان بود که البته فایده ای هم نداشت. اینجا بود که فاصله آرمان و آرزو با واقعیت های جاری جامعه را متوجه شدم! «گوگوش جزو

خوانندگان معتمد دربار بود و خوانندگی او در جشن‌های دربار از جمله جشن تولد رضا پهلوی پسر محمدرضا شاه مشهور است و ظاهراً به همین دلیل سیستم قضایی وقت جرات نقد کردن چک‌های او و همسر اولش محمد قربانی را نداشته است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۰۳۵/روایتی-چک-دادگاه-چک-چالاب-روایتی>